

انتشارات انصار امام مہدی علیہ السلام

خطبہ ی موحد (یگانہ)

سید احمد الحسن علیہ السلام

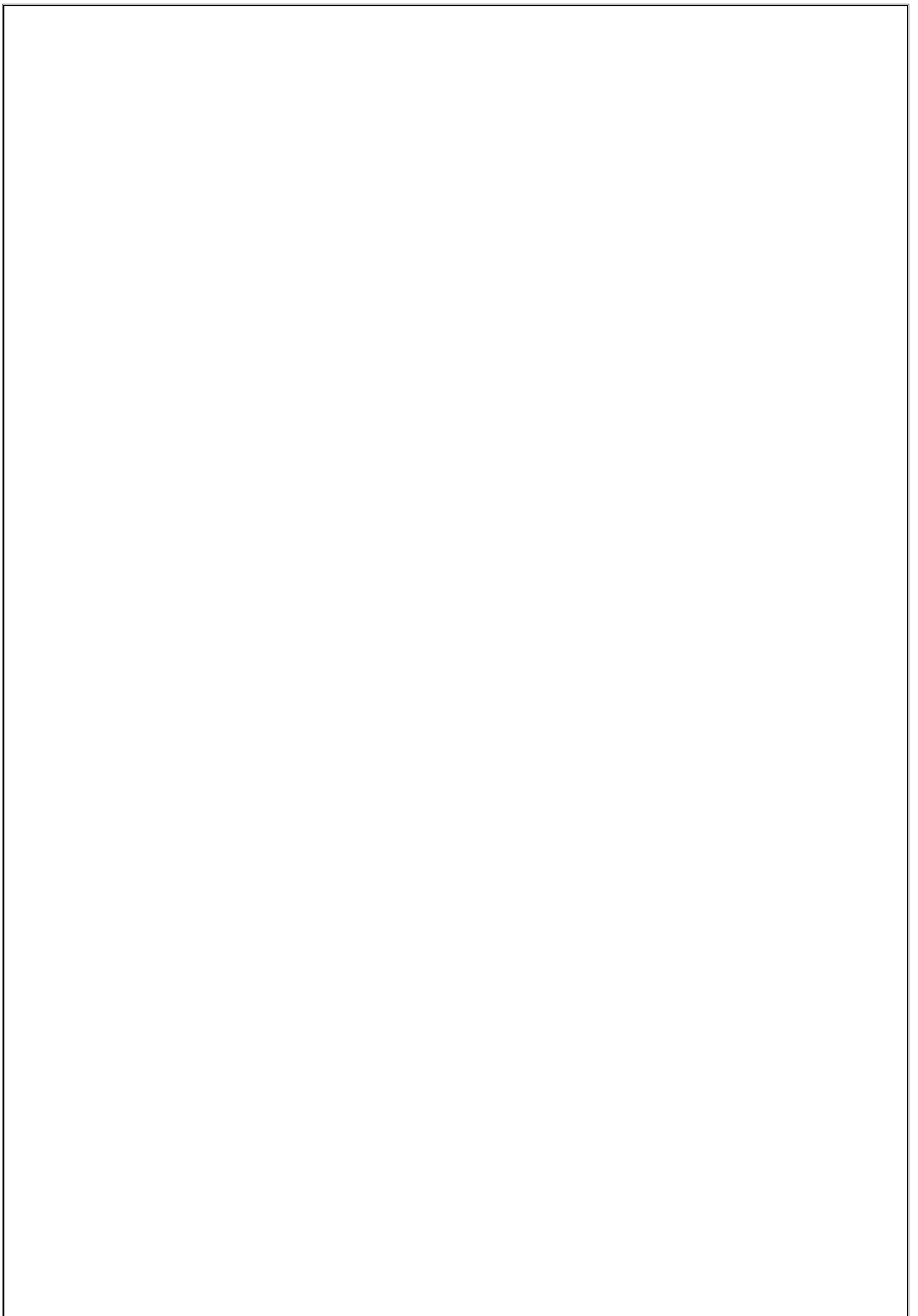
جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارك سيد احمد الحسن عليه السلام

انر سايت ما با نرديد فرماييد:

<http://mahdyeen.org>

<http://mahdyeen.org/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه‌ی موحد (یگانه) انصار امام مهدی علیه السلام نوشته شده توسط امام احمد الحسن یمانی

علیه السلام، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام.

این خطبه توسط ائمه‌ی جمعه در تمام نقاط جهان خوانده شد، باشد که مردم در آن

تأمل کرده و امر محتویات آن موعظه، عبرت گیرند تا راه برحق طلب آشکار گردد.

امر خداوند متعال موفقیت مرا مسألت داریم.

به تاریخ: ۲۱/۳/۲۰۰۸

خطبه ی اول:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليما.

خداوندا بر دشمنان محمد و آل محمد امر اولین تا آخرین آنها لعنت فرست.

ایام سوگواری و شهادت امام حسن عسکری علیه السلام چند روز پیش گذشت.

خداوند اجرتان دهد.

بر شرف نبی اعظم و ائمه علیهم السلام، و بخصوص امام حسن عسکری علیه السلام، خداوند رحمت کند کسی که قبل از فاتحه، صلوات ختم کند.

خداوندا لعنت فرست بر کسی که امام مظلوم ستم دیده، حسن بن علی عسکری علیه السلام، امام مسلمین و حجت بر جهانیان و فرزند دختر پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله را به قتل رساند.

خداوندا لعنت فرست بر کسی که با ویران کردن ضریح آن حضرت و اهانت به حرمتش، آن مصیبت را همانند روز اول بر ما تجدید کرد. خداوندا، انجام دهنده ی این کار و یاری کننده اش و کسی که به این جرم عظیم راضی بود را لعنت کن.

خداوندا، با حول و قوت، تعداد و تجهیزات و پیروزی، توفیق و فضل عنایت بفرما، تا انتقام این امام پاک و مظلوم و انتقام جمیع انبیاء و اوصیاء علیهم السلام را از کسانی که به آنها ظلم کردند بر ما ممکن گردد، کسانی که به فعل و کردار گذشتگان و پدرانشان راضی بودند و در مسیر آنها حرکت کردند، چه کسانی که جسم ایشان را به قتل رساندند و ضریحش را ویران ساختند و چه کسانی که مسیر و خواسته ی اهل بیت و ویران کردن هیكل حق را با ابداع و نوآوری و رأی باطل خودشان از بین بردند. و یا کسانی که از آنها تبعیت نموده اند.

خداوندا ما را از وارثان این امام پاک مظلوم و از کسانی که از سنت ایشان پیروی می کنند قرار بده، و ما را در احیاء کردن دینش و دین جدش محمد مصطفی ﷺ موفق بگردان، تا این بدعت و رأی باطل را از این دین حق که برای ما تعیین کردی نفی گردانیم.

﴿أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ * لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

البقرة: ۲۸۱-۲۸۰

(رسول به آنچه از طرف پروردگارش بر او نازل شده ایمان دارد و مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند و گفتند ما میان هیچ یک از پیغمبران خدا فرقی نمی گذاریم و (همه یک زبان و یک دل در قول و عمل) اظهار کردند فرمان خدا را شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا ما آمرزش تو را می خواهیم و می دانیم که بازگشت همه به سوی توست * خدا هیچکس را مگر به قدر توانایی او تکلیف نکند در روز جزا نیکی های هر شخصی به سود خود او، بدی هایش نیز به زیان خود اوست. پروردگارا اگر چیزی را فراموش کردیم یا به خطا راه رفتیم ما را بر آن مواخذه مکن. پروردگارا هیچ تکلیف گران و طاقت فرسایی بر ما نگذار چنان که بر پیشینیان ما نهادی. پروردگارا و آن بار (تکلیفی) را که فوق طاقت ماست بر دوش ما قرار مده و ما را بیمارز و گناه ما را ببخش و بر ما رحمت فرما تنها تو سلطان ما و یار و یاور مایی پس ما را بر گروه کافران یاری فرما).

حق داریم که در این زمانه تعجب کنیم، زیرا بر هر شخص جستجوگر در حوادث تاریخ و خواندن آن و روشن شدن حق در آنها کار سختی به شمار نمی رود، هنگامی که کسی را می یابیم که ادعای اسلام و ایمان به قرآن را دارد و او فرموده ی خداوند متعال را می خواند:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَدِّ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾. الشوری: ۲۳ (بگو من هیچ پاداشی بر شما بر رسالتم نمی خواهم جز دوست

داشتن خویشاوندانم و هر که کار نیکی انجام دهد به نیکویش بیفزایم که خدا آمرزنده و پذیرنده شکر است).

با این حال، به کسانی که علیه آل محمد علیهم‌السلام و خویشاوندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که خداوند به دوست داشتن آنها ما را امر کرده، محبت می‌ورزند، و با آلهائی هم دست می‌شوند که به جنگ آنها علیهم‌السلام پرداختند و برای محو آثارشان و ویران کردن قبرهایشان تلاش می‌کنند. و آیا نفرت و کینه نسبت به آنها، بلکه بالاترین درجه‌ی نفرت و کینه نسبت به آنها که انسان به آن می‌رسد جز این است که محبت نسبت به کسانی که آنها را به قتل رسانیده و هتک حرمت آنها نموده اند؟!

و آیا اهانتی به قرآن بزرگتر از این پیدا می‌شود، که کسان دیگری را برتر یا برابر با آنها علیهم‌السلام بشمارند؟ و یا به آلهائی که با آنها دشمنی کردند محبت ورزند؟ و چگونه ممکن است که انسانی ابراز کینه نسبت به آنها کند، و بزرگتر از آن اینکه علم و آثار آنها را ویران سازد، و قبرهای آنها را منهدم کند؟

این چگونه ممکن است ای قوم؟

شما را چه شده چگونه حکم می‌کنید، وقتی که خداوند پاداش این رسالت را در محبت به اهل بیت علیهم‌السلام قرار داده است؟

دوستی فقط محبت نیست، بلکه آن هماهنگ بودن و اطاعت و خضوع و قبول سخن از دیگری می‌باشد. یعنی خداوند از مسلمانان خواست که آل محمد علیهم‌السلام را دوست بدارند و فرموده‌های آنها را قبول کنند؛ این است معنی دوست داشتن آنها. یعنی محبت و تسلیم شدن به امر آنها. زیرا که آنها علیهم‌السلام حجت‌های خداوند بر خلق و ائمه‌ی مسلمانان می‌باشند. و برای اینکه دوست داشتن واضحتر نشان داده شود به فرموده‌ی خداوند متعال توجه کنید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ الروم: ۲۱

(و از آیات لطف او اینکه از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در بر آنها آرامش یابید و در میان شما دوستی و رحمت قرار داد. در این، نشانه‌هایی است برای مردمی که تفکر می‌کنند).

یعنی بین مرد و زن (زوجین) مودت (دوستی) و رحمت گمارد پس دوستی از زن است یعنی محبت و اطاعت و خضوع در برابر مرد، زیرا او بر زن قیّم (سرپرست) است.

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...﴾ النساء : ۳۴

(مردان را بر زنان تسلّت و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری‌ها که خدا نسبت به برخی دیگر مقرر داشته و هم به واسطه‌ی آن که مردان از جان خود باید به زنان نفقه دهند...).

اما رحمت از مرد می‌باشد، زیرا محبت موجه از قوی نسبت به ضعیف‌تر (زن) می‌باشد و قوی به ضعیف رحم می‌کند.

پس هر کس که ادعای اسلام می‌کند، به موقعیت خود نسبت به آل محمد ﷺ بنگرد و برای آخرتش جایگاهی مُشرف بین دستان خداوند که محبت به آل محمد ﷺ و تسلیم به گفته‌هایشان را واجب کرد، مهیا سازد. ﴿... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ الحشر: ۲۳

(... بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم نمی‌خواهم جز دوست داشتن خویشاوندانم...).

و برای اینکه نیرنگ شورا پایدار نماند، می‌خواهم در این اندک جملات، حق علی ابن ابی طالب علیه السلام را بیان کنم و اینکه ایشان و آل محمد ﷺ پیشوایان و حجت‌های خداوند بر خلق هستند، و اینکه مبدأ شورا در مقابل انتخاب خلیفه‌ی خداوند یا حاکم به امر خداوند، باطل است، و گمان می‌کنم قصه‌ی موسی علیه السلام با قومش در بیان باطل بودن آن کافی می‌باشد؛ که هفتاد نفر از قومش را برای میقات خدا انتخاب کرد و همه‌ی آنها کفر ورزیدند و در بین هفتاد نفری که موسی علیه السلام آنها را انتخاب کرد یک نفر نیکوکار هم وجود نداشت. پس چگونه اهل شورا شخصی را انتخاب می‌کنند تا از نیکوکاران باشد در حالیکه آنها کمتر از موسی علیه السلام هستند.

در کلام من تدبیر و اندیشه کنید ای کسانی که ادعای طلب حق می‌نمایید.

آمده ام تا برای حق شهادت دهم و حق را نمایان سازم؛ نیامده ام که عده ای از مردم پیرو من شوند. هدفم بیان نمودن حق و مبارزه با باطل است. و به این دلیل است که می گویم هیچ کسی از من توقع دو رویی نکند؛ هیئات و محال است که چیزی از حق را ترک کنیم، یا از باطل به خاطر دوستی با این یا رضای آن، چشم پوشی کنیم. پس آن چه را که نزد خداوند است خیر است برای ابرار.

و فصل خطاب در بیان حق علی علیه السلام و ائمه و مهدیین علیهم السلام و به اختصار شدید. اگر شخصی صاحب یک کشتی و یا شرکتی، یا هر چیز دیگری که مجموعه ای از مردم در آن مشغول کار باشند، آیا واجب نیست که ناخدا برای آن کشتی، یا مدیر برای آن شرکت، یا مسئولی بر این مردم تعیین کند؟ سپس اگر آن را ترک کند و کشتی غرق شود، یا شرکت ورشکست گردد، یا ضرری حاصل شود، آیا این عمل او به سفاهت و بی حکمتی وصف نمی شود؟ سپس اگر ناخدا برای کشتی، یا مدیری برای شرکت و یا مسئولی برای این مردم تعیین کند، ولی داناترین آنها در رهبری کشتی و یا اداره شرکت و یا مدیریت این مردم نباشد و نقصی در محصول شرکت حاصل شود و یا موردی پیش آمد که حاصل آن ضرری معین مانند غرق شدن کشتی باشد، بعلت جهل و نادانی این فرمانده در راه اندازی این شرکت یا مدیریت این مورد، آیا این عمل او به سفاهت و بی حکمتی وصف نمی شود؟ و آیا واجب نیست که با حکمت، داناترین آنها را انتخاب کند؟ یا به شخص انتخاب شده علم لازم را باید بیاموزد تا با کفایت ترین و تواناترین شخص برای رهبری کشتی جهت رساندن آن به ساحل امان باشد، و تا مدیریت شرکت، بهترین نتیجه را داشته باشد؟

و اگر فرض کنیم که این شخص، ناخدایی برای کشتی، یا مدیری برای شرکت، یا مسئولی برای این مردم تعیین کرد و داناترین و تواناترین آنها در رهبری کشتی و یا مدیریت شرکت باشد، ولیکن مردم را به اطاعت از این ناخدا یا مدیر یا رهبر امر نکند! و مردم بر حسب امیال و هوای خود عمل کنند! زیرا به اطاعت از این فرمانده ی تعیین شده، امر نشده اند و زیان و ضررهایی بعلت عدم امر مردم به اطاعت از او پیش بیاید، آیا این عمل

حکمت آمیز، به سفاهت تبدیل نشد؟ سپس فایده ی تعیین رهبر چیست، اگر مردم را به اطاعت از او امر نکند؟

گمان نمی کنم که عاقل با حکمت غیر از این را بگوید.

باید رهبری تعیین شود و باید علم داشته باشد و یا علم مورد نیاز به او داده شود، و واجب است کسانی را که رهبری می کند، به اطاعت از او امر نماید.

و این در قرآن موجود می باشد و با اولین خلیفه خداوند سبحان آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ، در زمین این قانون گمارده شد و آن قانون معرفت خلیفه ی خداوند و حجت او بر بندگانش می باشد، بلکه آن قانون معرفت خداست، زیرا با معرفت خلیفه ی الهی می توان خداوند را شناخت. پس تعیین امام و رهبر و خلیفه خداوند در فرموده متعال: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ البقرة: ۳۰ (و آن گاه که پروردگار تو فرشتگان را فرمود من در زمین خلیفه ای خواهم گماشت گفتند آیا کسی را در آن خواهی گماشت که در زمین فساد می کند و خونها ریزد و حال آنکه ما تو را تسبیح و تقدیس می کنیم خداوند فرمود: من چیزی می دانم که شما نمی دانید).

و چون این خلیفه باید داناترین آنها باشد، و آن با فرموده ی خداوند متعال: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ البقرة: ۳۰ (و خدا همه اسماء را به آدم تعلیم داد آن گاه حقایق آن اسماء را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود اگر (شما در دعوی خود) صادقید اسماء اینان را برای من بیان کنید).

و امر به اطاعت این خلیفه در فرموده ی خداوند متعال: ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ الحجر: ۲۹ (پس چون کار را به پایان رساندم در او از روح خویش بدمم همگی بر او سجده کنید).

بلکه هر کس به تورات و انجیل هم مراجعه کند متن های فراوانی پیدا می کند، که بر این قانون قرآنی منطبق می شوند، در بیان اینکه قانون شناخت خلیفه ی خداوند یا قانون شناخت خداوند همین سه مورد می باشند که به آنها اشاره نمودم.

پس چه کسی وصی رسول خدا می باشد؟ و چه کسی داناترین مردم و عالمترین آنها بعد از رسول خدا می باشد؟ و چه کسی به امر خداوند، رسول الله ﷺ مردم را به اطاعت از او امر کرد؟ باید شخصی باشد، که این موارد را داشته باشد، و الا هر کس بگوید چنین چیزی وجود ندارد، خداوند سبحان را به بی حکمتی متهم ساخته است.

می گویم چه کسی؟ و جواب را برای کسانی که از آنها سؤال می کنم را می سپارم، و امیدوارم که مردم با خودشان منصف باشند و جواب حق را بگویند.

نکته قابل توجه اینجاست که از ابتدا کسی که اطاعت از امر خداوند سبحان را رد کرد، و قبول نکرد که بین او و خداوند واسطه ای باشد، و قبول نکرد قبله اش به سوی خداوند، آدم عَلَيْهِ السَّلَام باشد، و این نافرمان خبیث همان ابلیس (لع)، طاووس فرشته ها می باشد. آری، این را تأکید می کنم، کسی که سجود برای آدم عَلَيْهِ السَّلَام را رد کرد در آن موقع طاووس فرشته ها بود، و خواهشاً، کسی که می خواهد جواب سؤال قبلی را بدهد نسبت به این معنا حضور ذهن داشته باشد. خداوند متعال فرمود: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا﴾. (بیاد آور وقتی که بر فرشتگان فرمان دادیم بر آدم سجده کنید آنها همه سر به سجده فرود آوردند الا ابلیس (لع) که از جن بود و از اطاعت پروردگارش سر پیچید، آیا او (شیطان) و فرزندان او را به جای من دوستان خود می گیرید در صورتی که آنها سخت با شما دشمنند، ظالمان چه جایگزین بدی برگزیدند).

و کسانی که به شدت پیرو ابلیس در خطایش شدند و قبول نکردند، همانگونه که خدا خواست بین آنها و او واسطه باشد، و قبول نکردند که قبله آنها به سوی خداوند، خلیفه ی خدا و حجت او بر بندگانش باشد، همان وهابی ها هستند؛ بلکه آنها از عمل ابلیس که امام و اسوه ی آنهاست با رد کردن سجود برای خلیفه ی خداوند، هم سبقت گرفتند، جایی که به پیمودن راه ابلیس بسنده نکردند، بلکه با بیان کینه و دشمنی شان با خلفای

خداوند بر زمین که همان آل محمد ﷺ هستند زیاده روی کردند و به ویران کردن حرم و ضریح هایشان در بقیع در مدینه منوره (که نور آن (مدینه) بدلیل دفن شدن محمد و آل محمد ﷺ در آن است) برخاستند و کینه خودشان را در سامراء کامل کردند. و با این حال، ادعاء می کنند، که آنها توحید الهی را می خواهند و شرک را رد می کنند.

ای منصفان با چشم حق بنگرید و قرآن را ترازوی خود قرار دهید، در می یابید که شرکی که آنها ادعای دوری از آن را می کنند، همان سجود فرشتگان برای آدم عَلَيْهِ السَّلَام است، و در می یابید توحیدی که آنها آن را ادعاء می کنند، همان رد سجود ابلیس (لع) برای آدم عَلَيْهِ السَّلَام است.

اینگونه، آنها بر حسب عقیده شان، ابلیس (لع) را سرور یکتاپرستان می دانند، زیرا که سجود برای غیر خداوند را رد کرد، بلکه بر حسب عقیده ی فاسدشان، فرشتگان مشرک هستند، زیرا آنها برای غیر خداوند سجده کردند.

و لیکن وهابیین در این مسیر جهل و انکار حجت خدا و کینه توزی و نفرت نسبت به آل محمد ﷺ تنها نیستند، بلکه پیش از آنها نیز خیلی در این اُمت از آنها سبقت گرفتند، مانند اُمویین و عباسیین و غیر از آنها که آل محمد ﷺ را با زهر و شمشیرهایشان به قتل رساندند.

و یزید (لع) ادعاء می کرد که او خلیفه رسول خدا ﷺ می باشد و امام حسین را با نام رسول خدا به قتل رساند، و بنی عباس هم اینگونه عمل کردند؛ با اینکه ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام حجت های خداوند هستند، و با این سه نشانه که به آنها اشاره شد آمدند که نشان دهنده قانون الهی برای معرفت حجت می باشد.

و امروزه همان جنایتها تکرار می شوند، آن هم با بدترین و خبیث ترین شیوه ها. پس روش ویران کردن و آتش زدن و کشتار و خونریزی و تمام ترفندهای خبیثانه ی نواصب، امروزه وارثان آنها، یعنی کسانی که خود را به نام سربازان مرجعیت می نامند را تکرار کردند؛ بله مرجعیت نائب تام الاختیار امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام. دقیقاً همانند ادعای یزید (لع) برای خلافت بعد از رسول الله حضرت محمد ﷺ. همان جنایت ها و همان جرائم و همان ادعاها و راه ها. پس امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، فرزند رسول خدا ﷺ، دیروز نزد اهل عراق دشمن

اسلام بود و همه دسته جمعی برای جنگ با ایشان برخاستند، آری، زیرا که در نظر آنها امام حسین علیه السلام به جنگ با خلیفه‌ی رسول خدا، یزید بن معاویه (لع) برخاست.

و امروز همان جنایت‌ها تکرار می‌شود، **قسم به خداوندی که هیچ خدایی جز او نیست هیچ چیزی تغییر نکرد**، الا اینکه امروز امر واضحتر شد، زیرا آنها سنتی از پیشینیان دارند، پس انتظار می‌رفت که مردم از آن سود ببرند و از آن عبرت گیرند، و آن جنایتها را تکرار نکنند. اما هیئات، مگر اینکه سنت پدرانشان را تکرار کنند و رد پای آنها را دنبال کنند و مصداقی برای فرموده‌ی امام علیه السلام شوند. **زیرا آنها به عمل پدرانشان در قتل امام حسین علیه السلام راضی شدند.**

امام حسین علیه السلام اسم یا صفتی نیست که بیش از هزار سال پیش به قتل رسید، تا اولیائش و شیعیاناش بر جریانی که برای او پیش آمد گریه کنند یا سینه بزنند، هیئات. زیرا امام حسین علیه السلام برای بیان حاکمیت خداوند خروج کرد؛ و همانا اعتراف به آن، خواسته‌ی خداوند است؛ و نقض آن، عدم رضای اوست. پس چه دیروز و چه امروز و چه فردا، قاتلین امام حسین علیه السلام کسانی هستند، که هدف امام حسین که جان خود را به خاطر آن فدا کرد، را نقض یا رد کردند، و غیر ممکن است که مصداقی واضحتر از فقهای آخر الزمان و پیروانی که در عراق از آنها پیروی کردند را بینیم؛ پس آنها تنها هدف امام حسین علیه السلام را نقض نکردند، بلکه آن را جهت رضای آمریکا نقض نمودند. آنها قاتلان امام حسین علیه السلام در این زمان هستند. پس چه انتظاری از آنها و یا از کسانی که پیرو آنها هستند داریم، بله هیچ انتظاری از آنها نداریم، مگر اینکه، آنچه را که با ما انجام دادند؛ قتل و ویران کردن و آتش زدن و جرائمی که آنها را در برابر همه رسوا نمود. آنها اشرار خلق خدا هستند، پس هیچ انتظاری از آنها نداریم، مگر این شری که از آنها صادر شده و یا خواهد شد. اگر یزید (لع) یک نوزاد شیر خوار از امام حسین را به قتل رساند، آنها بیش از یک نوزاد شیرخوار را به قتل رساندند. و آنها حاضر به قتل صدها نفر هستند. این قاتلان برای آمریکا عمل می‌کنند، که در دهلیزهای تاریک و ظلمانی مخفی گشته اند که حتی یزید و اشباه او را با این کار با رسیدن به آخرین درجه پستی، در پست ترین (مراتب) پستی‌ها عاجز ساختند.

خداوندا چهار بت، هُبَل، عزی، لات و منات در این زمان و کسانی که همجنس آنها، و پیرو آنها هستند را لعنت کن. خداوندا آنها را لعنتی سخت بفرما، خداوندا، آنها و پروردگار بزرگشان آمریکا را لعنتی سخت بفرما.

ای مؤمنان، شما در دهم محرم پیروز شدید، شما ابلیس و سربازانش را بد رقم شکست دادید، و ابلیس (لع) را با سجودتان و تسلیم تان به خداوند سبحان رو سیاه کردید، به خاطر کمی تجهیزات و تعدادتان، و فراوانی و زیادی دشمن خم نشدید، شما مرجعیت شیطنی یزیدی را بد رقم شکست دادید.

آری، به خدا سوگند آنها را شکست دادید، حتی قبل از حوادث، با علمی که خداوند با آن بر شما فضل و منت نهاد، پس جهل و عورت علمی آنها در برابر شما آشکار گشت، حتی آنها را وادار کردید که مکر و حیلۀ ناتوانِ جاهل را به کار ببرند، و آن قتل و کشتار است که در مواجهه با عقیده‌ی حق انجام دادند؛ همانند گذشتگان‌شان از علمای گمراهی که بر ضد دعوت‌های انبیاء و اوصیاء آن را به کار بردند، و حتی وقتی که به گشت و گشتار روی آوردند، در نتیجه چه کسی پیروز گشت؟ آن که در راه احیاء مبدأ حسین علیه السلام (حاکمیت خدا) خروج کرد و خون خود را فداء نمود، بعد از اینکه با او جهت نشر مبدأ و هدف حسین با کلمه منع شد؟ یا آن قاتلان، سربازان مرجعیت شیطنی یزیدی لعنت خدا بر آنها باد، کسانی که با مبدأ حسین علیه السلام و هدفش (حاکمیت خدا) مبارزه کردند.

همانا خونهایتان پیروز شد و هنوز پیروزی‌هایی را محقق می‌سازد؛ و آنها همچنان به فضل خداوند عقب نشینی و شکست می‌خورند، و به فضل خونهایتان که ریخت نیزه‌ای پدیدار گشت که در قلب شیطان فرو رفت و می‌رود، و رعد و برقی از نور که هیکل باطل (بت‌ها) را ویران ساخت و می‌سازد.

به خدا سوگند ای مؤمنان، شما بر هوای نفس و تکبر و غرور (منیت) و شیطان و دنیا و زیور آلات آن پیروز شدید، و مبادا جزع و شکوه و ترکِ صبر کنید، زیرا صبر کلید گشایش و پیروزی است و آن گشایشتان می‌باشد، در گذشته صبر کردید و صبر شما امروز سزاوارتر و واجب‌تر است؛ چیزی باقی نمانده، مگر وقت اندکی، و اگر شما زجر می

کشید، آنها هم زجر می کشند، ولی شما از خداوند انتظاری دارید که آنها انتظار آن را ندارند، و پایان آنها بعد از چندی، مانند پایان یزید (لع) و سربازانش خواهد بود، و در آخرت عذابی شدید و کیفری سخت بر آنها واقع خواهد شد و بهانه های آنها هیچ سودی برایشان نخواهد داشت، روزی که فریاد زنی فریاد می زند که لعنت خدا بر ظالمین باد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَ لَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ * وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينُ﴾ * الكافرون: ۶ - ۱

(بگو ای کافران * من آن را که شما می پرستید هرگز نمی پرستم * و شما هم آنکه پرستش می کنم پرستش نمی کنید * نه من خدایان باطل شما را عبادت می کنم * و نه شما معبود مرا عبادت می کنید * دین (شرک و جهل) شما برای شما، و دین من هم برای من).

خطبه ی دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ، كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ﴾. محمد: ۲ (و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد ﷺ نازل شد که همه حق از جانب پروردگارشان است ایمان آوردند خدا از گناهانشان در می گذرد و خاطرشان را اصلاح می کند).

این است حال مؤمنان به حجت خدا.

پس آنها در ابتدا به کلمات خداوند ایمان آوردند و آنها را باور کردند، سپس به آن عمل کردند و خلیفه ی خداوند را باور کردند که او حق است از جانب خدا، پس پاداش آنها از پروردگارشان چه بود. ﴿كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ﴾. محمد: ۲ (خدا از گناهانشان در می گذرد و خاطرشان را اصلاح می کند).

حال از خودمان سؤال می کنیم، آیا ما به فرموده ی خداوند متعال عمل می کنیم:

(خدا از گناهانشان در می گذرد).

برادر مؤمنان، خداوند او را به شخصی پاک و طاهر و با اخلاص وصف می کند که خداوند از گناهانش در گذشت، نه اینکه فقط آنها را بخشید بلکه، ﴿كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ﴾، (خدا از گناهانشان در می گذرد)، در گذشتن یعنی مستور کرد و پوشانید.

آری، نه فقط آنها را بخشید بلکه آنها را پوشاند و مستور ساخت و آیا می‌دانی آنها را از چه کسی پوشاند؟ آنها را از فرشتگان پوشاند. آری، و از زمین و از هر چیزی که شاهد آن معصیت یا گناه بود، پوشانید، و هیچ وجود و هیچ اثری برای آن باقی نماند، گویی که چیزی نبوده، فرشته‌ای که آن گناه را نوشت، به امر خدا او را فراموش کرد، آری، زمین و هر چیزی دیگر.

کسانی که نسبت به حقیقت جاهلند می‌گویند، گناهان را خدا می‌بخشد ولیکن آثارشان باقی می‌ماند و نفس را به تخته تشبیه کرده و گناهان را به میخ‌هایی که در آن کوبیده شده اند را مثال می‌زنند، و می‌گویند میخ‌ها که برداشته شوند اثرشان باقی خواهد ماند، آنها می‌بینند که اگر گناهان بخشیده شوند، اثرشان باقی خواهد ماند، آنها اینگونه می‌گویند.

می‌گویم، و حق را به شما می‌گویم، شما سخت در اشتباه اید، چرا درباره‌ی چیزی که نسبت به آن شناخت ندارید صحبت می‌کنید؟ چرا در ملکوت را به روی توبه‌کنندگان می‌بندید؟ کسی که میخ‌ها را روی تخته کوبید او همان خالق تخته نیست، که بتواند آن را همانگونه که بود به حالت اول برگرداند. اما کسی که گناهان را می‌بخشد خداوند هستی است که نفس را آفرید و او قادر به همه چیز است. قادر است نفس را همانگونه که بود به حالت اول برگرداند، اگر بنده‌ای به درگاه خدا توبه کند، پس خداوند فرشتگانی را که آن گناهان را نوشته اند را فراموشی می‌دهد و زمین که شاهد گناه و معصیت بنده‌ی خدا بود را فراموشی می‌دهد و اثر هر گناهی را از نفس آن بنده‌ی مؤمن مخلص و توبه‌کننده بر می‌دارد.

آری، آن را مانند روزی که به دنیا آمد بر می‌گرداند.

سرشت پاک و با اخلاص، نه گناهی و نه اثری و نه کسی که آن را به یاد آورد. بله، از فضل خداوند است که آن بنده گناهِش را به یاد آورد، نه اینکه آن را برای دیگران بگوید، زیرا اینگونه خدا از این امر راضی نمی‌شود، ولیکن تا به آن گناه باز نگردد و با درد گناه و معصیت، اطاعت از خداوند را احساس کند و با آن درد، ارتقاء یابد.

پس ای توبه‌کننده، تو امروز سرشنت پاک و نفسی داری مانند روزی که مادرت تو را به دنیا آورده، هیچ دربی از درب‌های آسمان به روی تو بسته نمی‌شود، اگر خواستار ارتقاء باشی، و می‌خواهی از مقربین باشی، آری، بفرما که درب به روی تو باز است. کسی که آن را باز کرد همان رئوف رحیم است. خدا می‌خواهد که ندای او را بشنوی. ندای شیطان را کنار بگذار، تو را فریب ندهد که بگوید تو کیستی، و چه کسی می‌باشی، تا بتوانی از مقربین بشوی؟

با این گفته‌اش تو را فریب ندهد که تو کیستی تا بتوانی به علین ارتقاء پیدا کنی! و اگر لازم بود به او توجه کنی، به او بگو که من بنده‌ای مسکین، گناه‌کار، مقصر و خطا‌کار هستم، ولیکن پروردگارم رئوف و رحیم و کریم است، با عطای خود، درب‌ها را به روی من باز کرد.

الان دانستیم که چگونه گناهانشان بخشیده می‌شود، آیا حق این پاکان و پاکدامنان را کامل به آنها می‌دهیم؟ چگونه فیما بین خود رفتار کنیم؟ بله، هر کسی از ما باید بداند که برادر مؤمنش نزد خداوند عزیز می‌باشد، و خداوند مؤمن را دوست دارد، و هر کس او را دوست بدارد خداوند او را هم دوست می‌دارد. آیا کافی است بدانی که او پاک است و خداوند گناهانش را بخشیده، تا او را دوست بداری؟ آیا کافی است که خداوند او را دوست دارد، تا تو او را دوست بداری؟ آیا کافی است که پیامبران و اوصیاء او را دوست می‌دارند، تا او را دوست بداری؟ آیا کافی است که فرشتگان او را دوست می‌دارند تا او را دوست بداری؟ آیا کافی است، که خداوند راضی نیست که برادر مؤمنت را با یک کلمه اذیت کنی تا از اذیت او پرهیز کنی؟ آیا کافی است که بدانی محبوب‌ترین خلق نزد خداوند کسانی هستند که در راه خدا دوست دار باشند، تا ای مؤمن از نو آغاز کنی به دوستی و ترک آزار و اذیت برادر مؤمن پاکت. آری، باید این کار را انجام دهی تا ارتقاء یابی زیرا که درب‌ها به روی تو باز است و گوش به فریب شیطان منشین، بر حذر باش که مبادا محبت نسبت به مؤمنین را ترک کنی، یا آنها را اذیت کنی، که درب‌هایی را که به روی تو گشوده شده‌اند، دوباره بسته می‌شوند.

سپس، آیا ما به فرموده‌ی خداوند متعال عمل می‌کنیم: ﴿وَأَصْلِحْ بِاللَّهِ﴾، (فکر و خاطرشان را اصلاح می‌کند).

آیا ما به نعمتِ سلامتِ دین و ولایتِ حق خوشحالیم؟

﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ یونس: ۵۸ (بگو به فضل و رحمت خداوند است که مؤمنان باید شادمان باشند و آن بهتر و مفیدتر از آنچه اندوخته اند).

و آیا ما به چیزی که قبلاً از دست دادیم از قبیل امور دنیوی و پیروزی مادی اهمیت نمی‌دهیم، و آیا ما خشنود نمی‌شویم اگر پیروزی مادی تحقق یافت، زیرا آن به فضل و رحمت خداوند تحقق یافته است. ﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ الحديد: ۲۳ (تا بر آنچه از دست شما می‌رود دل تنگ نشوید و بر آنچه بر شما می‌رسد مغرور و دلشاد نگردید و خداوند هیچ متکبرِ خودستایی را دوست ندارد).

اگر اینگونه باشیم، آن وقت مصداق این آیه خواهیم شد: (فکر و خاطرشان را اصلاح می‌کند).

آری خاطرشان را اصلاح می‌کند، با رضایت و خشنودی به تقدیر، و تسلیم امر او، با بریدن از همه چیز الا او؛ فکرشان را با عمل بین‌دستان حجتش اصلاح می‌کند. خاطرشان را با نهایت اخلاص به او اصلاح می‌کند، و خاطرشان را با نیازمند بودن به او و ترس از او اصلاح می‌کند.

آنجا جاهلانی هستند که شاید تصور کنند که، ﴿أَصْلِحْ بِاللَّهِ﴾، (فکر و خاطرشان را اصلاح می‌کند)، اصلاح امور دنیوی شان باشد یعنی امور مادی. پس آنها تصور می‌کنند که اصلاح فکر و خاطر همان امور دنیوی می‌باشد، زیرا که سعی و تلاش آنها برای علم تنها برای رسیدن به دنیا است، در حالیکه در نزد کسانی که فکر و خاطرشان را اصلاح کرد، حقیقت است.

تمام دنیا جهل است، مگر مواضع علم؛ و تمام علم حجت است، مگر آنچه با آن عمل کنی، و تمام عمل ریا و فریب می‌باشد، مگر اینکه به اخلاص عمل شود؛ و

اخلاص بر سر خطر شدیدی قرار دارد، تا زمانی که آن شخص به عاقبت خود بنگرد که چگونه ختم می شود. پس فکر و خاطرشان به خداوند سبحان مشغول است، و آیا چیزی پیدا می شود بهتر از فکر و خاطری که به خداوند مشغول شده باشد؟ آری، اینگونه هستند کسانی که (فکر و خاطرشان را اصلاح می کند).
و سلام بر شما ای مؤمنان و رحمت الله و برکاتش و صلوات بر صبوران در مصیبت ها و سختی ها.

و سلام بر اولیاء به حق و صدق، کسانی که بر عهد خویش با خداوند صادق اند و خداوند وعده اش را تصدیق نمود؛ و آنها را در علین با انبیاء و فرستادگانش منزل داد؛ سلام بر شما که به آخرت با امان و سلامت دینی که خداوند آن را دوست دارد و آن را می خواهد عبور کردید. خداوند را خواهانم که شفیع ما مسکینان شوید و ما را دعاء گویند، که همچنان در این دنیای تاریک هستیم، باشد که عبورمان به نوری که بدان عبور کرده اید زمانی باشد که نوشته شود.

خدایا پیروزمان فرما و با ما پیروز گردان دین خود را، به فضل و عطای روی ات.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾. النصر: ۳- ۱

(چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد* و ببینی که مردم دسته دسته در دین خدا در آیند
* پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه که وی همواره توبه پذیر
است).

والحمد لله وحده

۲۰۰۸/۳/۲۱

۱۳۸۷ هـ . ش